



آپدیت: ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ویژه شب امتحان

نکات مهم

خلاصه

حقوق مالیه عمومی

منبع اصلی: انتشارات دانشگاه پیام نور (دکتر علی بهادری جهرمی، دکتر حسن خسروی، محمد صادق فراهانی)

مناسب برای //

حقوق و سایر رشته‌های مرتبط



نویسنده //

تیم تالیف بژیک



نوع فایل //

خلاصه میکرو طبقه‌بندی شده



کیفیت //

تضمین ۱۰۰٪ مطالب



۴

ساعت مطالعه

۱۰۰٪

پوشش نکات

۴۳

صفحه مفید

فصل اول: تعریف، موضوع، جایگاه و اهمیت حقوق مالیه عمومی در اسلام و حقوق موضوعه

تعریف علم مالیه

✓ علم مالیه به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مباحث حقوقی و اقتصادی، از دو منظر کاملاً متفاوت قابل تعریف و بررسی است.

تعاریف اقتصادی

✓ در دیدگاه اقتصادی که از آن با عنوان «اقتصاد بخش عمومی» نیز یاد می‌شود، تمرکز اصلی بر روی تخصیص منابع، توزیع درآمد و تأثیر فعالیت‌های مالی دولت است.

✓ در رویکرد کلاسیک، مالیه عمومی علمی است که صرفاً به مطالعه و تجزیه و تحلیل درآمدهای عمومی و آثار آنها می‌پردازد.

✓ از منظر اقتصاددانان معاصر، مالیه عمومی بررسی انتقادی عملیات و فعالیت‌های اقتصادی دولت در راستای کسب وجوه مورد نیاز و چگونگی اداره منابع مالی است.

✓ اگرچه از نظر لغوی و تاریخی واژگان «مالیه عمومی» و «اقتصاد بخش عمومی» متفاوت‌اند، اما امروزه در دانشگاه‌های معتبر جهان تحت یک عنوان تدریس می‌شوند.

✓ اقتصاد بخش عمومی جامع‌تر بوده و علاوه بر بررسی درآمدها، آثار ناشی از مخارج دولت را نیز در اقتصاد تجزیه و تحلیل می‌کند.

تعاریف حقوقی

✓ از دیدگاه حقوقی، «حقوق مالیه عمومی» شاخه‌ای از حقوق عمومی است که مجموعه قواعد حاکم بر درآمدها، هزینه‌ها و بودجه دولت را در بر می‌گیرد.

✓ مهم‌ترین شاخه این علم «حقوق مالیاتی» نام دارد که قواعد و مقررات حاکم بر مهم‌ترین منبع درآمدهای عمومی یعنی مالیات‌ها را بررسی می‌کند.

✓ به گفته حقوقدانان، حقوق مالی شامل سلسله قوانین و مقرراتی است که روابط دولت و مودیان را برای وصول مالیات تعیین می‌کند.

✓ در ترمینولوژی حقوق، مالیه عمومی به معنای مجموعه اسباب، وسایل و طرق فنی و حقوقی مربوط به امور مالی اشخاص حقوق عمومی تعریف شده است.

✓ دکتر کاتوزیان حقوق مالیه را شامل قواعد مربوط به وضع مالیات‌ها، عوارض قابل مطالبه توسط مأموران دولت، مقررات ناظر بر بودجه عمومی و وظایف دیوان محاسبات می‌داند. توجه: این فایل رایگان نیست و منحصرراً برای سایت "بژیک" با آدرس اینترنتی www.bzhik.ir تهیه و تنظیم شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این محصول، متعلق به سایت "بژیک" می‌باشد؛ هر گونه کپی برداری و انتشار غیر قانونی آن توسط افراد سودجو،

بدون اخطار قبلى، پیگرد قانونى در پی خواهد داشت؛ لذا بایستى مستقیماً از این سایت خریدارى شود در غیر این صورت مسئولین راضى نمى باشند و حرام و حق الناس مى باشد.

هر تعریفى که از حقوق مالی ارائه مى شود نباید منحصرأ در چارچوب مالیات بگنجد؛ زیرا حقوق مالیاتی تنها بخشی از حقوق مالیه عمومى است و علم تجزیه و تحلیل قوانین مربوط به درآمدها، هزینه های دولت و بودجه عمومى بسیار فراتر از مقررات مالیاتی عمل مى کند.

موضوع حقوق مالیه عمومى

موضوع اصلی حقوق مالیه عمومى حول سه محور اساسى شامل درآمدهای عمومى، هزینه های عمومى و برنامه مالی دولت (بودجه) شکل مى گیرد که در این میان مالیات برجسته ترین جایگاه را دارد.

دقت کنید: وجوه افتراق و تشابه مالیه عمومى و خصوصى

- ✓ **از نظر هدف:** مالیه عمومى به دنبال تأمین نظم، رفاه و آسایش کلیه افراد جامعه است، در حالی که مالیه خصوصى اساساً نیازها و احتیاجات فرد یا گروهى محدود را تأمین مى کند.
- ✓ **از نظر منابع درآمد:** دولت دارای منابع گسترده و انحصارى با پشتوانه قانون است، اما منابع بخش خصوصى محدود به فعالیت های خاص مانند تولید یا مبادله کالا مى باشد.
- ✓ **تأمین کسرى:** مالیه عمومى علاوه بر روش های درونى، مى تواند از «استقراض بیرونى» نیز استفاده کند، اما این راه برای مالیه خصوصى مسدود است.
- ✓ **از نظر روش های تحصیل درآمد:** تأمین منابع مالی دولت معمولاً با قوه قهریه، زور و در چارچوب قانون انجام مى شود، در حالی که کسب درآمد در بخش خصوصى بر پایه توافق و تراضى طرفین است.
- ✓ **از نظر قواعد حاکم بر درآمدها و هزینه ها:** درآمدهای دولتى عموماً مشمول معافیت های مالیاتی هستند و بودجه های آنها الزاماً سالیانه تنظیم مى شود، برخلاف بخش خصوصى که تابع این مقررات نیست.
- ✓ **از نظر سازوکارهای تصمیم گیری:** تصمیم گیری در مالیه عمومى تابع تشریفات پیچیده نهادهاى چون قوه مقننه و هیئت وزیران است، اما در مالیه خصوصى متكى به اراده افراد یا مجامع عمومى شرکت ها است.
- ✓ **هماهنگى دخل و خرج:** در مالیه خصوصى هزینه ها باید با درآمد هماهنگ شود، در حالی که در مالیه عمومى در اکثر مواقع، درآمدها با هزینه ها هماهنگ نمى شوند.
- ✓ **وجه تشابه:** با وجود تفاوت ها، هر دو بخش با مسئله موازنه دخل و خرج روبرو هستند، به دنبال حداکثرسازی منافع با حداقل منابع اند، برای پوشش شکاف مالی به استقراض روى مى آورند و از طریق سرمایه گذاری درآمدهای خود را افزایش مى دهند.

جایگاه و اهمیت مالیه عمومى

در حقوق موضوعه

در ابتدا، دولت به عنوان مهم‌ترین رکن حاکمیت شکل گرفت که انتخاب مثنی اقتصاد سیاسی آن (لیبرالیستی یا سوسیالیستی) مستقیماً بر قواعد حاکم بر دخل و خرج کشور تأثیرگذار بود.

با گذشت زمان و وقوع تحولات صنعتی، اقتصادی و سیاسی در یک قرن اخیر، وظایف دولت‌ها سنگین‌تر و پیچیده‌تر شد.

در نهایت، گذار از «دولت ژاندارم» (با حداقل دخالت) به «دولت رفاه» (با دخالت گسترده)، موجب فربه‌تر شدن حکومت‌ها و احساس نیاز شدید به برقراری نظم مالی و بودجه‌ریزی گردید.

✓ در حکومت ایران، گستردگی سطوح درگیر در روابط مالی و محاسباتی (مانند مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران) نشان‌دهنده اهمیت و کثرت مصوبات در حوزه حقوق مالیه عمومی است.

در اسلام

✓ در منابع اسلامی، مباحث مالی عموماً در کتاب‌های فقهی و بدون تفکیک از سایر احکام شرعی، تحت عناوین درآمدهای عمومی (مانند خمس و زکات) و مصارف معین آن‌ها بیان شده است.

✓ با توجه به اینکه حکومت‌های تاریخی اسلام عمدتاً در اختیار حاکمان سنی مذهب بوده، فقه عامه دارای منابع غنی‌تری در زمینه تحلیل‌های مالیاتی و حکومتی نسبت به فقه امامیه است.

✓ نظام اسلامی برخلاف رویکردهای خیالی، با واقع‌بینی نسبت به سرشت انسان، قوانینی وضع کرده که ضمن تشویق به انفاق برای رفع فقر، از گداپروری جلوگیری کرده و افراد نیازمند را نیز ملزم به کار و پس‌انداز می‌کند.



اقتصاد اسلامی بر پایه «همکاری و همیاری» بنا شده است؛ به گونه‌ای که ادای واجبات مالی، علاوه بر اینکه یک عبادت شرعی محسوب می‌شود، مهم‌ترین ابزار برای برقراری عدالت اجتماعی و تربیت انسانی است.

منابع مالیه عمومی

✓ منظور از منابع مالیه عمومی، سرچشمه‌ها، خاستگاه‌ها و صورت‌های ایجادکننده قواعد حقوقی هستند که اشخاص برای تنظیم روابط اجتماعی یا قاضی برای یافتن حکم به آن‌ها مراجعه می‌کنند.

✓ منابع به دو دسته مستقیم (اصلی) شامل قانون و عرف، و منابع غیرمستقیم (فرعی) شامل رویه قضایی و نظریات علمای حقوق (دکترین) تقسیم می‌شوند.

✓ بر اساس اصول ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی ایران، منابع معتبر فقهی و فتاوی معتبر اسلامی نیز در زمره منابع اصلی و غیرمدون حقوق مالیه عمومی قرار می‌گیرند تا در صورت خلأ قانونی، قاضی بر اساس آن‌ها حکم صادر کند.

قوانین و مقررات

✓ هنگامی که سیاست‌های مالی قدرت عمومی در قالب قانون درمی‌آیند، جنبه الزام‌آور یافته و بر اساس سلسله مراتب به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند: